

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۲ اکتوبر ۲۰۲۲



یونس نگاه

برای ادای احترام به روشنفکران پشتون

جامعه پشتون را بنیادگرائی فتح کرده است و متأسفانه جنبش روشنگری در آن جامعه فعلاً در وضعیت دشوار قرار دارد. دیروز در نوشته‌ای که به ارتباط زرسانگه نوشتم، از آن وضعیت گله کردم. در این پست می‌خواهم بخش دیگری از واقعیت را که حکایت تلاش، قربانی و زحمات هزاران روشنفکر جامعه پشتون است، با شما در میان بگذارم. همان‌طوری که گفتم بنیادگرائی جامعه پشتون را بعد از سال‌ها جنگ، پروژه و کشتاری که قریه به قریه، شهر به شهر خون ریختند، از چنگ بخشی از جامعه که می‌کوشیدند پشتون‌ها و همه افغان‌ها به سوی اصلاحات، دموکراسی، کار و آزادی بروند، ربود (فتح کرد). در سراسر جامعه پشتون رد عرق و خون وطنداران مبارز ما مانده است. این مبارزه ادامه خواهد داشت و این روزهای سیاه بدون شک، بهسر خواهد رسید. اما آیا سیاستمداران و فرهنگی‌های فارسی زبان، این وضعیت را بروشنی می‌بینند؟ برخی بلی، اما خیلی‌ها نخیر.

زبان رسمی جنبش روشنفکری افغانستان فارسی بوده است اما بار اصلی این جنبش را پشتون‌ها به دوش کشیده‌اند. تصور برخی از فارسی‌زبان‌ها از این‌که گویا پشتون‌ها در عرصه روشنگری عقب‌تر از دیگران بوده‌اند، خطا است. اگر پشتون‌های پاکستان را در نظر بگیریم، در افغانستان روشنفکران پشتون تمام بار روشنگری در جامعه پشتون را به‌تنهایی به دوش کشیده‌اند و به ندرت یک هزاره، تاجیک، ازبیک یا فرد دیگری که زبانش پشتو نبوده، پشتون‌های مبارز را در روشن‌کردن اذهان مردم در قریه‌ها و محلات پشتون‌نشین بازو داده است. درحالی که سهم پشتون‌ها در روشنگری جامعه فارسی‌زبان چشمگیر بوده است.

متأسفانه پشتون‌هایی که در محیط فارسی مشغول مبارزه بوده‌اند، چندان "پشتون" حساب نمی‌شده‌اند. در واقع این‌جا بین پشتون و پشتو یک مرز خلق شده و جمع بزرگی از روشنفکران فارسی‌زبان پشتون، نادیده گرفته شده‌اند.

از زمان حبیب‌الله خان پدر امان الله تا امروز پشتون‌ها اگر بیشتر از دیگران در برابر استبداد خون نداده باشند، به‌هیچ وجه کمتر نبوده‌اند. عرصه هنر، ادبیات، سیاست، فرهنگ، اجتماع، تحصیل و رسانه از نقش قدم‌های مبارزان پشتون

هم چراغان است و هم خونین. مبارزانی را که در دوران مشروطیت پیشگام شدند فهرست کرده بشمارید؛ آنانی را که در دههٔ دمکراسی با قلم، زبان و زندگی خود برای راندن جامعه به سوی آزادی پیشگام شدند حساب کنید؛ کسانی را که در جریان جهاد و جنگ‌های داخلی زیر تیغ طرف‌های درگیر رفتند یا در درون آن احزاب و جریان‌ها برای روز بهتر و روشن‌تر مشغول کار و پیکار بودند به یاد آورید؛ و لشکر بزرگی از آدم‌های متعهد به افغانستان آزاد و دمکرات را که در بیست سال گذشته در مکاتب، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، ادارات و محلات مشغول مبارزه با بنیادگرایی بودند ببینید؛ آن‌گاه حتماً متوجه خواهید شد که روشنفکران پشتون اگر چند بلیست گردن‌فرازتر از روشنفکران هزاره و تاجیک نباشند، زرد روی‌تر هرگز نمی‌باشند.

امروز نیز تحصیل‌کردگان فارسی‌زبانی که از تماس با جامعهٔ پشتو زبان‌گريزان‌اند، نسبت به جامعهٔ روشنفکری پشتون دچار توهم می‌باشند و شناخت درست از آن ندارند. برخی‌ها درک بسیار سطحی از روشنفکری دارند و تصور می‌کنند هرکسی حافظ و مولانا خواند و به زبان فارسی صحبت کرد، روشن‌تر است و هرکسی به پشتو گپ زد، یک رگ از عقب‌ماندگی دارد!

هر نویسنده و سیاست‌مدار افغانستان که پشتو نمی‌داند، پشتو نمی‌خواند و با جامعهٔ پشتون تماس مستقیم و ارگانیک ندارد، با یک نیمهٔ مهم کشور بیگانه است. هر افغانی که خود را متعهد به افغانستان آزاد و دمکرات می‌داند اما پشتو نمی‌خواند در تعهدش باید شک کرد. سیاست‌مدارانی چون عبدالکریم خلیلی که چهل سال در سیاست افغانستان بوده‌اند، اما هنوز پشتو را از روی خط خوانده نمی‌توانند، از نظر سیاست‌گذاری‌های کشور جاها هستند. هر وطن‌دار تحصیل‌کرده و سیاست‌پیشه‌ای که مدعی است با طالبان مبارزه می‌کند اما سخنرانی ملاحبت الله را به ترجمه می‌خواند، در وضع دشواری قرار دارد و به سختی می‌تواند در این مبارزه مؤثر تمام شود.

پشتون‌های مبارز چشم و چراغ مایند، در دادن امید و آگاهی به مردم ما نقش ارزنده بازی کرده‌اند، و ما چون بازوی سالم کنارشان خواهیم بود!